

پیامبرگرایی اسلام(ص):

هر کس غمی از غم‌های دنیا را از مسلمانان برطرف نماید، خداوند غمی از غم‌های روز قیامت را از او برطرف کند.

نهج الفصاحه، صفحه ۲۲۳



محسن بابادی

ضعف مدیریت، تنها دلیل عقب‌ماندگی فوتبال کشور

آن هستیم. بازیکنان صغر سنی، شبکه دلایسم حتی در رده‌های پایه، سوختن و هدر رفتن استعدادها بر اثر بی‌تدبیری و بی‌برنامگی، عدم استفاده از مربیان کارآزموده و استعدادیاب، هرز روی سرمایه‌های مالی، رویکرد نتیجه گرایی در رده پایه به هر قیمتی، کاهش کیفیت سطح فنی بازیکنان و افول اخلاق در رده‌های پایه و سپس بزرگسالان که زاینده این چرخه معیوب‌اند، تنها بخشی از معایب استفاده از این گونه مدیران است. حداقل در فوتبال کشور ۲۰ مدیر باتجربه، تحصیل کرده و آگاه داریم که نه به دلیل عدم شایستگی، بلکه به علت عدم وابستگی به حزب و جناح خاصی و عدم تعظیم در مقابل عده‌ای و یا باج ندادن به دلال‌ها، سال‌هاست مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند.

به‌عنوان مثال همین علی دایی که به‌جز سواد آکادمیک و تجربیات بین‌المللی ذاتاً مدیری لایق است، چرا نباید در سطح بالای ورزش این مملکت به‌کارگیری شود؟ بدون تردید تنها بها دادن به این مدیران نخیه است که سبب شکوفایی فوتبال کشور خواهد شد. پس قبول بفرمایید ما خودمان هم نمی‌خواهیم و هر بلایی که بر سر ورزش خصوصاً فوتبال کشورمان در عرصه آسیایی و جهانی می‌آید، حقمان بوده و نباید از عواقب آن گله‌بند باشیم.



اصولاً در هر کاری فاکتور رهبری، لیدرینگ و سرپرستی نقشی محوری و انکارناپذیر داشته و بدون مدیری لایق و توانمند، اهداف از پیش تعیین شده هیچ مجموعه‌ای به سر منزل مقصود نخواهد رسید؛ اما آنچه طی سالیان اخیر سبب افت و عقب‌ماندگی فوتبال کشور شده، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در ضعف و ناکارآمدی مدیرانی داشته که فوتبالی نبوده و از جاهای دیگری به این عرصه

ورود کرده‌اند.

افرادی که بعضاً با اصول اولیه مدیریت بیگانه بوده و هیچ‌گاه نیز سعی نکرده‌اند در این زمینه تحصیلات آکادمیک داشته و حتی از اهالی فوتبال و پیشکسوتان زحمتکش و باتجربه کشور در کنار خود استفاده نمایند. چراکه فوتبالی‌ها فرصت خودنمایی و سیاه‌بازی در بسیاری از زمینه‌ها را به عده‌ای نداده و به‌واسطه تخصصی که دارند، مانع از زدوبندها و انجام کارهای غیر فوتبالی می‌شوند. مدیرانی را می‌گویم که بعضاً اگر سابقه کاری هم داشته‌اند، در زمینه‌های دیگری بوده و هیچ‌گونه تخصص، توانایی و آشنایی با ورزش و فوتبال نداشته و بیشتر به خاطر هیجانان آن، رسانه‌ای شدن، شهرت و حتی مسائل مالی وارد این عرصه شده و همچون اتریه پدروشان آن را دودستی چسبیده و اهالی واقعی آن را کنار خود کنارده‌اند.

مدیرانی که ندانند، نتوانند یا نخواهد برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت داشته باشد، محکوم به شکست بوده و باید مترصد ناکارآمدی و اشتباهات پی‌درپی و جبران‌ناپذیر مجموعه تحت امرش باشند.

مدیرانی که مشاورانی قوی نداشته و صرفاً رفیق‌بازی و چسبیدن به بازی‌ها را به جای چسبیدن به اصل کار سرلوحه خویش قرار دهد، نتیجه‌اش همانی می‌شود که امروزه خصوصاً در رده‌های پایه شاهد

مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر: شاهین بوشهر در صورت ادامه لیگ برتر ماندگار می‌شود

بازیکنان باید به تمرین‌های گروهی برگردند و شرایط آنها از نظر بدنی و هوازی باید به وضعیت مناسبی برسند چراکه تمرین‌های انفرادی قابل‌مقایسه با تمرین‌های گروهی نیست.

وی اظهار داشت: تیم ما تا ۱۵ هفته ابتدایی امتیاز کمی کسب کرده بود اما اکنون امتیازهای خوبی جمع کرده و تا خارج شدن از منطقه سقوط فاصله‌ای ندارد. مسیگر عنوان کرد: به‌طورقطع اگر لیگ ادامه پیدا کند ما در لیگ خواهیم ماند و اکنون فقط منتظر اعلام سازمان لیگ برای شروع دوباره تمرین‌ها هستیم.

مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر درباره وضعیت قراردادهای اعضای باشگاه با توجه به تعطیلی لیگ عنوان کرد: بحث قراردادهای و نحوه پرداخت مالی به قسمت حقوقی باشگاه ربط دارد اما به‌رحال باید جوری باشد که حق کسی ضایع نشود.

مسیگر افزود: تاکنون ۶۰ درصد از قرارداد بازیکنان (۵۰ درصد پرداخت‌شده و ۱۰ درصد دیگر اسناد مالی آن آماده‌شده و به‌زودی پرداخت می‌شود) و ۷۰ تا ۸۰ درصد قرارداد کادر فنی نیز پرداخت‌شده است.

وی گفت: میشو سرمربی شاهین با اولین پروازی که از کرواسی به مقصد ایران باشد، خواهد آمد و مشکلی از این بابت وجود ندارد و شیارویچ دستیار وی اکنون در ایران است و برنامه‌های سرمربی تیم را به‌خوبی پیش می‌برد.

شاهین شهرداری بوشهر اکنون با ۱۶ امتیاز در رده نازدهم لیگ برتر فوتبال کشور قرار دارد.



به گزارش ایرنا مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر گفت: در صورت ادامه پیدا کردن مسابقات لیگ برتر فوتبال کشور این تیم در لیگ ماندگار می‌شود.

سعید مسیگر در این رابطه افزود: ما در نیم‌فصل دوم جزو تیم‌های خوب لیگ بودیم و توانستیم در این نیم‌فصل در جمع شش تیم اول قرار بگیریم.

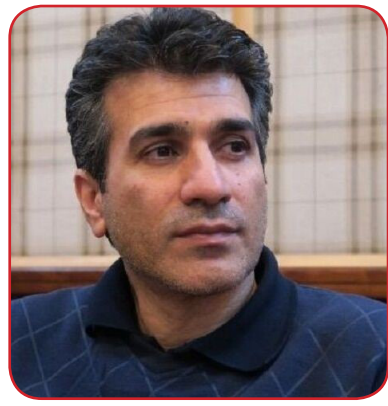
وی افزود: با این شرایط و وقته‌ای که به وجود آمده است شرایط برایمان سخت شد چراکه تیم ما از این تعطیلی ضرر کرده است. مسیگر تأکید کرد: ما ترسی از ادامه لیگ نداریم و ورزش فوتبال به ثابته و دقیقه‌ای بستگی دارد.

مدیرعامل شاهین شهرداری بوشهر گفت: شرایط همه تیم‌ها یکسان است و به‌طور تقریبی همه بازیکنان با توجه به برنامه تمرینی که وجود دارد، تمرین می‌کنند و شاهین هم از این قاعده مستثنی نیست.

وی بیان کرد: به‌رحال پس‌از این بحران،

رئیس دپارتمان داوری فوتبال:

به لژیون شدن فغانی افتخار می‌کنیم



رئیس دپارتمان داوری در ادامه افزود: از همه داوران خواهش می‌کنم که در مورد مسائل داوری و سیستم فدراسیون مصاحبه نکنند چراکه مجاز نیستند. البته آنها می‌توانند مصاحبه‌های عیدانه یا معمولی داشته باشند. وی همچنین درباره «علیرضا فغانی» و عملکرد او در لیگ فوتبال استرالیا بیان داشت: به او به‌عنوان لژیونر داوری ایران افتخار می‌کنیم. همان‌طور که بازیکنان ما لژیونر می‌شوند، فغانی هم لژیونر شده و با فدراسیون فوتبال استرالیا قرارداد حرفه‌ای بسته است. البته او در لیست بین‌المللی ایران حضور دارد و امیدوارم او را در فینال جام جهانی بعدی ببینیم.

در منزل بمانند، فرصت خوبی برای داوران است که کارهای علمی کنند و از وقت خود به‌خوبی استفاده کنند. وی درباره «محمدرضای فغانی» که به‌تازگی برای داوری به سوئد رفته است، خاطرنشان کرد: او داور خوبی بود و چندین مرتبه با یکدیگر دیدارهای مختلفی را قضاوت کردیم، اما وی در زمان ریاست «علی کفشیان» جزو داوران الیت ایران شد و شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که در بازی که به نظر من خوب هم قضاوت کرد از لیست داوران الیت ایران خارج شد. شاید فغانی دیگر در ایران انگیزه برای ادامه کار نداشته و برای ادامه فعالیت داوری به کشور دیگری رفت.

به گزارش ایرنا رئیس دپارتمان داوری فدراسیون فوتبال گفت: همان‌طور که بازیکنان ما لژیونر می‌شوند، «علیرضا فغانی» هم با فدراسیون فوتبال استرالیا قرارداد حرفه‌ای بسته و به او افتخار می‌کنیم. علیرضا سهرابی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: داوران کشورمان این موضوع را به‌خوبی می‌دانند که هر زمان ممکن است دیدارهای لیگ ایران شروع شود؛ به همین دلیل از لحاظ بدنی شرایط خودشان را حفظ می‌کنند. درست است داوران پول حرفه‌ای نمی‌گیرند اما وجدان حرفه‌ای دارند و برای آبروی خودشان هم که شده، بدن خود را آماده نگه می‌دارند. در این شرایط که همه باید

وادث



زندان مجازات خواستگار خشن



یک هفته بعد دوست سیروس با من تماس گرفت و گفت او می‌خواهد خودکشی کند. بعد رضایم کرد تا به دیدار سیروس بروم، وقتی سوار خودرواش شدم مرا به بیابان‌های اطراف آزادگان برد. ترسیده بودم با فریادهای خودرو را نگه داشت می‌خواستم فرار کنم که اسیری به صورتم پاشید. باین‌حال شروع به دودیدن کردم از دور مردی را دیدم و کمک خواستم اما سیروس از پشت مرا گرفت و با چاقو زد آن‌قدر که بی‌هوش شدم و او هم سوار خودرواش شد و از محل فرار کرد.

مرا به بیمارستان بردند مدتی در آنجا بستری بودم. یک کلیه‌ام را از دست دادم بخشی از صورتم فلج شده و آسیب شدیدی دیده‌ام که تا آخر عمر با من است. او می‌خواست مرا بکشد. اگر آن روز آن کارگر افغانستانی من را نمی‌دید و به کمک نمی‌آمد الان زنده نبودم.

با شکایت من سه ماه بعد سیروس بازداشت شد. در مدتی که فراری بود خانواده‌اش چندین بار به سراغم آمدند تا رضایت بگیرند اما رضایت ندادم.

دادسرای جنایی تهران برای سیروس اتهام آدم‌ربایی، شروع به قتل و ضرب‌وجرح کرد؛ اما دادگاه کیفری تمام اتهامات را رد کرد و تنها به خاطر ضرب‌وجرح او را به پنج سال حبس و پرداخت دیه محکوم کرد. درحالی‌که مجازات آدم‌ربایی و شروع به قتل به ترتیب ۱۵ و ۱۰ سال حبس است.

من چندین بار به این حکم اعتراض کردم اما بی‌فایده بود. الان پرونده‌ام برای اجرای حکم به دادسرا آمده است ولی من باز هم به حکم اعتراض زده‌ام.

مرگ مشکوک زن بیمار در خانه



به گزارش گروه حوادث رنکا، عصر دهم دی‌ماه سال ۹۵ مرد سالخورده‌ای به نام عطا با پلیس تماس گرفت و از مرگ همسر ۵۵ ساله‌اش به نام جمیله در خانه‌اش در شهرری خبر داد. مأموران پلیس وقتی به خانه این مرد رفتند با جسد همسرش که آثار سوختگی روی بدن و پاهایش نمایان بود روبه‌رو شدند.

جنازه در حالی به پزشکی قانونی منتقل شد که عطا به مأموران پلیس گفت: همسرم بیمار بود و پیوند کلیه شده بود. من به شونخی به پایش لگد زدم اما چون مدتی قبل تصادف کرده و پایش شکسته بود گفت قادر به حرکت نیست. من همسرم را به حمام بردم و شیر آب داغ را باز گذاشتم تا شاید آب داغ درد پای همسرم را بهبود دهد؛ اما ۱۰ دقیقه بعد وقتی با فریادهای همسرم به حمام برگشتم متوجه شدم همسرم داخل وان گرفتار شده و با آب داغ دچار سوختگی شده است. من از جمیله خواستم تا او را به بیمارستان برسانم ولی قبول نکرد. او خودش در خانه به سوختگی‌ها می‌پاشد می‌زد تا اینکه سرکار بودم که پسرم تماس گرفت و گفت حال مادرش بد شده است. وقتی به خانه رسیدم همسرم جان سپرده بود.

وقتی پزشکی قانونی علت فوت زن میانسال را سوختگی درجه ۳ و ضربه به سر اعلام کرد برای عطا کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

شهر سالخورده در دادگاه
مرد سالخورده در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که نماینده دادستان به جرم قتل عمدی برایش اشد مجازات خواست.

سپس متهم به دفاع پرداخت و گفت: من و جمیله ۲۹ سال با هم زندگی کردیم. من قبل از او همسری داشتم که بعد از جدایی از همسر اولم به جمیله ازدواج کردم. ما زندگی خوبی داشتیم اما صاحب فرزند نشدیم. تا اینکه با نذریناز و کمک پزشکان صاحب پسری شدیم که حالا ۱۲ سال دارد. رضا همه زندگی من و همسرم بود. من بازنشسته بودم و حقوق بازنشستگی کم‌کم خرج زندگی را نمی‌داد. به همین خاطر از صبح تا دیروقت به حوالی حرم شاه عبدالعظیم می‌رفتم و با ترازوی وزن‌کشی کار می‌کردم.

پیرمرد ادامه داد: پسرم می‌گفت باید به مدرسه غیرانتفاعی بروم و چون نمی‌توانستم در مقابل خواسته‌هایش پاسخ منفی بدهم قبول کردم. من تا آخر روزی که برای کار از خانه بیرون رفته بودم پسرم تماس گرفت و گفت حال مادرش بد است. وقتی به خانه رسیدم متوجه شدم جمیله نفس نمی‌کشد. به همین خاطر با اورژانس تماس گرفتم.

اشک پشیمانی
این متهم درحالی که اشک می‌ریخت گفت: باور کنید من قصد کشته همسرم را نداشتم و مرگ او یک اتفاق بود. در مدتی که در زندان هستم پسرم را به خواهرم سپرده بودم تا از آن مراقبت کند اما خواهرم پس از مدتی بیماری همسرش را بهانه کرد و پسرم را به بهزیستی سپرد. من یک خانه دارم که می‌توانم آن را به جای دیه به فرزندان همسرم از شوهر قبلی‌اش که اولیای دم هستند بپردازم. حتی اگر آنها تقاضای قصاص داشته باشند حاضرم اعدام شوم ولی از قصاص دادگاه تقاضا دارم اجازه دهند یک روز دیگر کنار پسرم باشم. پسرم در بهزیستی نگهداری می‌شود و من تحمل این موضوع را ندارم.

در پایان جلسه قصاصات وارد شور شدند و عطا را برای بررسی سلامت روان به پزشکی قانونی معرفی کردند. پرونده همچنین به دادستانی فرستاده شد تا قیمی برای پسر ۱۲ ساله قربانی تعیین و درخواستش درباره مجازات مطرح شود. با اظهار نظر کمیسیون پزشکی قانونی و تعیین قیم برای فرزند قربانی، عطا بار دیگر در دادگاه از خود دفاع می‌کند تا قصاصات برایش حکم صادر کنند.

شرط شیطانی شهین زن ثروتمند برای رضایت دادن به مرد موتورسوار

به گزارش رنکا، مرد ۳۴ ساله در دایره اجتماعی کلانتری گفت: من کارگر مردم بودم و با زحمت و تلاش زیاد خرج و مخارج زندگی قشنگم را درمی‌آوردم. همسر نازنینی داشتم که با داروندارم ساخته بود و عشق و علاقه‌اش را نثار من و دختر کاکل زری‌مان می‌کرد؛ اما داستانی برابم درست شد که زندگی‌ام را باخته و بدبخت و بیچاره شدم.

از شما چه پنهان یک روز که سوار بر موتورسیکلت به سرکار می‌رفتم ناگهان با خانمی تصادف کردم. در این حادثه زن ۴۸ ساله که زخمی شده بود، به بیمارستان انتقال یافت و چون مقصر تصادف شناخته شده بودم بلافاصله ۳ لنگوی طلای همسرم را فروختم و مخارج بستری این خانم در بیمارستان را پرداخت کردم. من از کارم دست کشیدم و به دنبال گرفتن رضایت از مصدوم حادثه بودم که او با نگاهی هوس آلود و لخبندای عشوه‌گرانه مرا خام کرد و شرط عجیبی گذاشت.

مرد جوان افزود: توانستم پس از چند روز رفت‌وآمد بی‌درپی، رضایت این زن ۴۸ ساله را جلب کنم اما افسوس که فریب چرب‌زبانی‌های او را خوردم. «شهین» ادعا می‌کرد زنی تنها و ثروتمند است و می‌توانم در کنارش باشم و بعضی از کارهایش را انجام بدهم و با هم ارتباط پنهانی داشته باشیم. من حتی با این بهانه که باید رضایت شاکمی برپرونده را جلب کنیم همسر بیچاره‌ام را نیز هفته‌ای یک‌بار به خانه او می‌بردم تا کلفتی‌اش را بکنند.

نمی‌دانم چرا عقلم را باخته بودم و سوسه پول و ثروت چشمانم را به روی واقعیت‌ها کور کرده بود. متأسفانه این زن که چوب خورده خیانت‌های همسر قبلی‌اش است مرا در مدت کوتاهی از همسر و دختر کوچولوم جدا کرد و زندگی‌ام را به همین راحتی از دست داد. مرد پشیمان اشک‌هایش را پاک کرد و گفت: پس از گذشت ۲ سال شهین که به عقد منم درآمده بود تمام املاک و مستغلات خودش را فروخت و برای همیشه همراه دختر و دامادش از اینجا رفت و من که تازه فهمیده بودم چه حماقتی کرده‌ام به سراغ همسرم رفتم اما هرچه خواهم کردم که به زندگی برگردد فایده‌ای نداشت چون او می‌خواهد به‌زودی با پسرعمویش ازدواج کند و...

الان مدتی است که توسط یکی از دوستانم به دام مواد مخدر افتاده‌ام و همراه او مرتکب دله زدنی می‌شدم که امروز به دام افتادم.